

امام حسین علیه السلام ، گنجینه اسرار وحی

<?xml encoding="UTF-8">

قرآن و اهل بیت علیهم السلام همانند دو بال پرنده ای هستند که اگر هر دو یا یکی از آنها نباشد پرواز به سوی سعادت و کمال امکان پذیر نخواهد بود. معادله قرآن منهای اهل بیت و اهل بیت جدای از قرآن در قاموس تشییع معنا ندارد. هر جا سخن از اهل بیت باشد پشتوانه آن کلام وحی است و اگر سخن از وحی است، مفسر و ترجمانی همانند اهل بیت علیهم السلام را می طلبد.

ارتباط تنگاتنگ اهل بیت علیهم السلام و قرآن آنچنان مستحکم است که هر کسی با اندکی تأمل و بررسی آن را در می یابد. آن گرامیان در روز ولادت آیات وحی را زمزمه می کردند و در طول حیات با آیات قرآن زندگی کرده و خودشان ناطق قرآن بودند. و در آخرین لحظات زندگی نیز با نغمه قرآن دار فانی را وداع می کردند. حدیث ثقلین یکی از روشن ترین دلائل این ادعاست که قرآن و اهل بیت علیهم السلام هرگز از هم جدا نخواهند شد. حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «هُمْ مَعَ الْقُرْآنِ وَ الْقُرْآنُ مَعَهُمْ لَا يُفَارِقُونَهُ وَ لَا يُفَارِقُهُمْ؛ آنان (اهل بیت علیهم السلام) همراه قرآنند و قرآن نیز همراه آنان، آنان از قرآن جدا نمی شوند و قرآن نیز از آنان.» هر دو سفینه نجات، سراج منیر، حبل الله ، مصباح هدایت، جلوه ای از رحمت الهی، کانون حکمت، کوثر زلال الهی و منادی انسانیت، عدالت، زندگی شرافتمندانه و سعادت‌مندانه هستند.

در این نوشتار ارتباط امام حسین علیه السلام را با قرآن بررسی می کنیم. نخست برخی از آیات قرآن را که در مورد شخصیت آن حضرت تفسیر و تأویل شده می خوانیم و در بخش دوم، برخی از آداب تلاوت قرآن و تفسیر آیات آن را از منظر حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام به نظاره خواهیم نشست. و در بخش سوم، برخی از آیاتی را که امام در تبیین فلسفه نهضت عاشورا بیان فرموده بررسی می کنیم.

البته ارتباط امام با قرآن آنچنان نزدیک است که نیازی به ذکر دلیل و برهان نیست. چرا که هر دو امانت و سرمایه جاویدان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هستند. در شب نزول قرآن - که شب قدر است - فرشتگان و روح الامین نازل شدند و در شب تولد حضرت ابا عبدالله علیه السلام نیز فرشتگان و روح الامین نازل شدند و به رسول خدا صلی الله علیه و آله تبریک و تهنیت گفتند.

قرآن کلام خاموش خداوند است و حسین علیه السلام قرآن ناطق می باشد. قرآن معیار شناخت حق و باطل و امام حسین علیه السلام نیز میزان حق و باطل است. هر کس قرآن را تلاوت کند و حق تلاوت را ادا نماید، قرآن از او شفاعت می کند و هر کس حضرت سید الشهداء علیه السلام را عارفانه و عاشقانه زیارت کند و بر او سوگواری نماید، حضرت او را شفاعت می کند.

قرآن جاودانه است و هرگز کهنه و ملال آور نخواهد شد و همیشه تازه و صفا بخش است، حضرت ابا عبدالله علیه السلام نیز همیشه نامش زنده است و مصیبت‌هایش تازه بوده و با تکرار و یادآوری خسته کننده نیست؛ بلکه در هر زمان تازه و روح بخش بوده و به دل‌ها طراوت و نشاط و امید می بخشد.

امام حسین علیه السلام از منظر قرآن

قرآن کریم طبق تفسیر ائمه معصومین علیهم السلام در آیات متعددی از مقام شامخ حضرت سید الشهداء علیه السلام تجلیل و ستایش کرده است و این تعظیم و تجلیل، با نگاهی به تفاسیر و روایات ائمه اهل بیت علیهم السلام به روشنی قابل درک است. مصداق کامل نفس مطمئنه، جلوه ای از رحمت حق، پدری جلیل القدر و واجب الطاعه، بارزترین عنوان مظلومان عالم و سید و سالار شهیدان، ذبح عظیم الهی، معنای حقیقی کهیص، فجر، زیتون و مرجان از القاب و عناوین و واژه های مقدسی است که طبق روایات اهل بیت علیهم السلام قرآن در مقام تعظیم شخصیت امام حسین علیه السلام از آنان بهره گرفته است.

همراهی قرآن و اهل بیت علیهم السلام

ما بر این باوریم که قرآن و امام حسین علیه السلام از همدیگر جدایی ناپذیرند و هرگز از یکدیگر فاصله نمی گیرند. رسول خدا صلی الله علیه و آله در این زمینه فرمود: خداوند متعال ما را آفرید و همچون ستارگان آسمان قرار داد که هر گاه ستاره ای غروب کند، ستاره ای به جای او طلوع خواهد کرد. من همانند آفتاب عالمتاب هستم، هر گاه از دنیا رفتم به ماه پناه ببرید و بعد از او به دو ستاره پر نور پناهنده شوید. گفتند: یا رسول الله! ماه کیست؟ فرمود: برادر من، جانشینم، پرداخت کننده قرضهایم و پدر فرزندانم و خلیفه من در میان اهل بیت؛ علی بن ابی طالب.

گفتیم: دو ستاره پر نور کیستند؟ فرمود: حسن و حسین. بعد از آن پیامبر صلی الله علیه و آله مقداری ساکت شده و فرمود:

«هَؤُلَاءِ وَ فَاطِمَةُ وَ هِيَ الزُّهْرَةُ عِترَتِي وَ أَهْلُ بَيْتِي هُمْ مَعَ الْقُرْآنِ لَا يَفْتَرِقَانِ حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضِ؛ اینان و فاطمه که همان زهره (ستاره درخشان) است، عترت و اهل بیت علیهم السلام منند، عترت من با قرآن هستند و از همدیگر جدا نمی شوند تا در حوض کوثر بر من وارد شوند.»

عاشورا در قرآن

در تفسیر آیه 77 سوره نساء که خداوند می فرماید: «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ قِيلَ لَهُمْ كَفُّوا أَيْدِيَكُمْ؛ «آیا ندیدی کسانی را که به آنها گفته شد از جنگ و مبارزه دست نگهدارید.» اما آنها از این دستور ناراحت بودند. امام صادق علیه السلام فرمود: این فراز از آیه مربوط به صلح امام حسن علیه السلام و پیروان اوست و در ادامه خداوند می فرماید: «فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَخْشَوْنَ النَّاسَ كَخَشْيَةِ اللَّهِ أَوْ أَشَدَّ خَشْيَةً وَ قَالُوا رَبَّنَا لِمَ كَتَبْتَ عَلَيْنَا الْقِتَالَ؛ «اما هنگامی که فرمان مبارزه و جهاد به آنان داده شد، جمعی از آنان از مردم می ترسیدند همانگونه که از خدا می ترسند؛ بلکه بیشتر از خدا، از دیگران می ترسیدند و گفتند: خداوند! چرا بر ما جهاد (و مبارزه و جنگ) مقرر داشتی؟!»

این بخش از آیه مبارزه در کنار امام حسین علیه السلام و شرکت در حماسه او را می رساند. بعد خداوند از زبان مسلمانان ضعیف الایمان می فرماید: «لَوْ لَا أَخَّرْتَنَا إِلَى أَجَلٍ قَرِيبٍ؛ «خدایا چرا این جنگ را به آینده نزدیک موکول نکردی؟» یعنی عصر ظهور قائم علیه السلام، زیرا که نصرت و پیروزی در حکومت حضرت مهدی علیه السلام خواهد بود.

خداوند به هر سه اعتراض و نافرمانی آنان پاسخ داده و با سرزنش آنان می فرماید، «قُلْ مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ وَ الْآخِرَةُ خَيْرٌ لِمَنِ اتَّقَى وَ لَا تَظْلُمُونَ فَتِيلًا؛ «[به آنان] بگو سرمایه زندگی دنیا کم است و سرای آخرت برای پرهیزکاران بهتر

است و ذره ای به شما ستم نخواهد شد.»

معنای کهیعص

در تفسیر اولین آیه سوره مریم آمده است: سعد بن عبدالله از محضر امام زمان علیه السلام پرسید: معنای «کهیعص» که در اول سوره مریم آمده چیست؟ امام زمان علیه السلام پاسخ داد: این حروف از رازهای غیبی است که خداوند متعال بنده اش زکریا علیه السلام را از آن آگاه نمود و بعداً آن را به حضرت محمد صلی الله علیه و آله چنین شرح داد: روزی حضرت زکریا از خداوند متعال درخواست کرد که نامهای پنج تن آل عبا را برایش بیاموزد و خداوند توسط جبرئیل آنها را به او آموخت. زکریا علیه السلام وقتی نام محمد و علی و فاطمه و حسن علیهم السلام را گفت: غصه هایش بر طرف گردیده و آرامش یافت. اما وقتی نام حسین علیه السلام را یاد کرد، اشک چشمانش سرازیر شده و دلش شکست. به خداوند عرضه داشت: بار الها! این چه سری است که نام چهار تن به من آرامش بخشید، اما یاد حسین علیه السلام اشکم را روان و آه و ناله ام را بلند می کند. خداوند متعال جریان شهادت امام حسین علیه السلام را با کهیعص به او خبر داد و در معنای آن فرمود: «کاف» اشاره به کربلا، و «ها» هلاکت ظاهری عترت پیامبر صلی الله علیه و آله ...، «یاء» اشاره به نام یزید و ستمگری، «عین» عطش و «صاد» صبر و بردباری حسین علیه السلام را می رساند.

حضرت زکریا بعد از شنیدن این معانی سه روز از مسجد بیرون نیامد و با کسی ملاقات نکرد و در آن مدت مشغول گریه و ندبه بود و در آنحال می گفت: خداوند! آیا بهترین بشر را با مصیبت فرزندش سوگوار خواهی ساخت؟ آیا به علی و فاطمه علیهما السلام لباس عزا می پوشانی؟ بعد از آن عرضه داشت: بار الها! به من فرزندی عطا فرما که در این سنّ پیری چشمم روشن شود، بعد از آن مرا به محبت آن مفتون گردان، آنگاه مرا به مصیبتش دچار نما؛ همانطوری که محبوبت محمد صلی الله علیه و آله را به عزای فرزندش می نشانی! خداوند یحیی را به او عطا کرد و او ششماهه بدنیا آمد همانطوری که امام حسین علیه السلام نیز ششماهه متولد گردید.

سالار شهیدان

در معنای آیه: «وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُوماً فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَاناً...»؛ هر کس مظلومانه کشته شود، به ولی او سلطه قرار داده ایم... «امام باقر علیه السلام فرمود: مقصود آیه از مظلوم، حسین بن علی علیهما السلام است و ما اهل بیت علیهم السلام ولی او هستیم. قائم ما اهل بیت علیهم السلام نیز هر گاه قیام کند به خونخواهی و انتقام حضرت سید الشهداء علیه السلام بر می خیزد و از قاتلین آن حضرت انتقام می گیرد. خداوند متعال در سوره حدید می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَآمِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ وَ يَجْعَلْ لَكُمْ نُوراً تَمْشُونَ بِهِ»؛ «ای اهل ایمان! از خدا پروا کنید و به رسولش ایمان بیاورید تا دو سهم از رحمتش به شما ببخشد و برای شما نوری قرار دهد که با آن راه بروید.»

جابر بن عبدالله در مورد این آیه می گوید: «عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ، قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ. وَ يَجْعَلْ لَكُمْ نُوراً تَمْشُونَ بِهِ، قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلِيٌّ؛ پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد این سخن خداوند که فرمود: «يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ» فرمود: دو سهم از رحمت خداوند امام حسن و امام حسین علیهما السلام است و منظور از نور خدا، حضرت علی علیه السلام می

باشد.»

ناگفته پیداست که این تفاسیر از آیات، بیان برخی از مصادیق کامل آن است و گرنه آیات قرآن را نمی توان فقط به شخص یا زمان و مکان خاصی منحصر کرد.

آیه تطهیر

از آیاتی که در مورد امام حسین علیه السلام نازل شده، آیه 33 سوره احزاب، معروف به آیه تطهیر است. امام باقر علیه السلام از جابر بن عبدالله انصاری نقل می کند که: ما در محضر پیامبر صلی الله علیه و آله در خانه ام سلمه بودیم که این آیه نازل شد: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا»؛ «خداوند اراده کرده است که پلیدی و گناه را از شما اهل بیت علیهم السلام دور کند و کاملاً شما را از آلودگیها پاک نماید.» بعد از نزول آیه رسول خدا صلی الله علیه و آله حسن و حسین و فاطمه علیهم السلام را صدا زد و مقابلش نشاند و سپس علی را خوانده و پشت سرش نشانید و آنگاه دست به دعا برداشته و فرمود: خدایا اینها اهل بیت منند، پلیدی و زشتیها را از آنان دور کرده و پاک و مطهرشان گردان! ام سلمه از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسید: یا رسول الله! آیا من هم از اهل بیت هستم؟! رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: تو در راه نیک و خوبی قرار داری! جابر می گوید: من به آن حضرت گفتم: ای رسول خدا! همانا که خداوند متعال به این خاندان پاک و نسل با برکت منت نهاد و با برداشتن پلیدیها از آنان، مقامشان را گرامی داشت.

پیامبر فرمود: ای جابر! تکریم آنان به جهت این است که عترت منند، گوشت و خونشان از من است، برادرم سرور اوصیاء و فرزندانم بهترین نوه ها و دخترم بانوی بانوان است.

بعد از نزول آیه «وَأُمِرَ أَهْلُكَ بِالصَّلَاةِ»، رسول خدا صلی الله علیه و آله به مدت هشت ماه برای اقامه نماز صبح از کنار خانه فاطمه زهرا علیها السلام عبور می کرد و صدا می زد: ای اهل بیت، هنگام نماز است «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» طبق این حدیث و روایات متعدد دیگر، امام حسین علیه السلام یکی از مصادیق بارز آیه تطهیر است.

شایسته ترین مفسر قرآن

افزون بر تکریم مقام شامخ امام حسین علیه السلام در آیات متعدد قرآنی - که برخی از آنها را بیان کردیم - آن حضرت همواره تلاش می کرد آموزه های قرآنی را در موارد متعدد به مشتاقان کلام وحی ارائه نماید؛ چرا که آن بزرگوار از شایسته ترین مفسران قرآن است. روزی اصبغ بن نباته به حضور امام حسین علیه السلام شرفیاب شده و پاسخ سؤالهای علمی خود را از محضر آن حضرت دریافت. او می گوید بعد از آن امام حسین علیه السلام فرمود: «نَحْنُ الَّذِينَ عِنْدَنَا عِلْمُ الْكِتَابِ وَ بَيَانُ مَا فِيهِ وَ لَيْسَ لِأَحَدٍ مِنْ خَلْقِهِ مَا عِنْدَنَا لِأَنَّ أَهْلَ سِرِّ اللَّهِ؛ ما کسانی هستیم که دانش قرآن و تفسیر آیات آن در نزد ماست و کسی از مردم شایسته آنچه در نزد ماست نمی باشد؛ چرا که ما گنجینه دار اسرار الهی هستیم.»

اصبغ بن نباته می گوید: امام در حالی که لبخند بر لب داشت، اضافه کرد: «نَحْنُ آلُ اللَّهِ وَ وَرَثَةُ رَسُولِهِ؛ ما خاندان خداوند و وارثان رسول خدائیم.»

امام حسین علیه السلام در مورد استفاده از کلام خدا و مراتب درک آن می فرماید: کتاب خداوند بر چهار بخش تنظیم شده است: عبارات، اشارات، لطائف، و حقائق آیات.

عبارات برای عموم مردم است، اشارات برای فهم خواص و افراد ممتاز می باشد، لطائف را اولیاء الهی می فهمند و حقائق قرآنی مخصوص پیامبران و رسولان خداوند است.

ثواب تلاوت قرآن

حضرت ابا عبدالله علیه السلام در کنار تفسیر آیات قرآن و توضیح اشارات و معانی بلند آن، گاهی به ثواب تلاوت سوره ها نیز اشاره می کرد. بشر بن غالب اسدی روزی در حضور امام حسین علیه السلام بود که شنید آن بزرگوار می فرماید: هر کس در حال ایستاده در نمازهای خود آیه ای را از کتاب خدا تلاوت کند، برای هر حرفی صد حسنه در پرونده اعمالش برای او ثبت می شود، هر گاه در غیر نماز آیه ای را تلاوت کند، برای هر حرفی که می خواند ده پاداش نیکو به او عطا می شود. و اگر آیه قرآن را گوش کند، برای شنیدن هر حرفی یک حسنه دارد. اگر در شب قرآن را ختم کند، تا صبح فرشتگان آسمان برایش درود می فرستند و اگر در روز قرآن را ختم نماید، فرشتگان الهی تا شب برایش صلوات می فرستند و او یک دعای مستجاب دارد. این عمل او برایش از آنچه که در میان آسمان و زمین است بهتر و شایسته تر است.

بشر بن غالب اسدی از امام پرسید: این پاداشها برای کسی است که قرآن می خواند. آنکه نمی تواند بخواند چه کند؟ امام فرمود: ای برادر اسدی! خداوند بخشنده، بزرگوار و دارای کرامت است، اگر آن فرد بی سواد بود به همراه قاری قرآن زمزمه کند، همان پاداشها را به او می دهند. بنابراین کسی از این سفره گسترده معنوی بی نصیب نخواهد بود و هر مسلمانی نسبت به استعداد و فراخور حالش از برکات و آثار معنوی قرآن می تواند بهره مند گردد.

نمونه هایی از تفسیر

از حضرت حسین علیه السلام در تفسیر قرآن مطالب فراوانی به ما رسیده است که نمونه هایی را یادآور می شویم:

1. مسئولیت امت در امر ولایت امام حسین علیه السلام در مورد آیه: «إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا»؛ «گوش و چشم و دل، همه اینها مورد سؤال قرار خواهند گرفت.» فرمود: روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله به علی بن ابی طالب علیهما السلام اشاره کرده و فرمود: به عزّت و جلال پروردگارم سوگند! تمام امت مرا در روز قیامت نگه می دارند و از ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام می پرسند و این معنای آیه قرآنی است که فرمود: «وَقِفُّهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ»؛ «آنها را نگه دارید که همه شان مسئولند.»

2. دو گروه متخاصم نصر بن مالک روزی از آن حضرت پرسید: معنای آیه شریفه: «هَذَانِ خَصْمَانِ اخْتَصَمُوا فِي رَبِّهِمْ»؛ «اینان دو گروهند که درباره پروردگارشان به دشمنی پرداخته اند.» چیست؟ امام حسین علیه السلام فرمود: ما و بنی امیه دو گروهی هستیم که در مورد خداپرستی با یکدیگر به دشمنی پرداخته ایم. ما می گوئیم: خدا راست گفت. آنان می گویند: خدا دروغ گفت. ما بنی هاشم با بنی امیه بر سر تصدیق و تکذیب خداوند، در روز قیامت دشمن هم خواهیم بود.

3. تفاوت پیشوایان در سرزمین «ذات عرق» امام حسین علیه السلام با بشر بن غالب مواجه شد که از سوی کوفه می آمد. امام از وضعیت مردم عراق و اوضاع سیاسی سؤال کرد؟ او گفت: دل‌های آنان با تو، اما شمشیرهایشان بر علیه توست. امام حسین علیه السلام با تصدیق و تأیید سخن بشر بن غالب این آیه را برای او قرائت کرد: «إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ» و «يَحْكُمُ مَا يُرِيدُ» خداوند آنچه را که بخواهد و اراده فرماید انجام خواهد داد.» بشر پرسید: یا ابا عبد الله! معنای این آیه چیست که خداوند می فرماید: «يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ»؛ «آن روزی که هر گروهی را با پیشوایشان فرا می خوانیم.» امام پاسخ داد: ای برادر اسدی! دو نوع پیشوا هست: 1. پیشوای هدایت که به سوی رستگاری دعوت می کند. 2. پیشوای گمراهی که به سوی بدبختی و ضلالت می برد. هر کس از امام هدایت پیروی کند، او را به سوی بهشت می برد و هر کس در پی پیشوای ضلالت باشد، به سوی آتش جهنم خواهد رفت.

4. فرجام پیمان شکنی امام حسین علیه السلام در منزلگاه دیگری بعد از مواجهه با لشکر حرّ برای یاران خویش سخنانی ایراد کرده و در ضمن آن مطالب مهمی را بیان فرمود؛ و در ادامه، اهل کوفه را از عواقب وخیم پیمان شکنی بر حذر داشته و این آیه را قرائت نمود که: «فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ»؛ «هر کس پیمان شکنی کند، تنها به زیان خود پیمان شکسته است.» امام حسین علیه السلام به آنان توضیح داد که بالاخره این سختیها و ناملایمات خواهد گذشت و حق روشن خواهد شد؛ اما لکه ننگ پیمان شکنی بر پیشانی کوفیان تا ابد باقی خواهد ماند و به کیفر آن در قیامت دچار خواهند گشت.

5. مقام شهادت زید بن ارقم روزی از امام حسین علیه السلام شنید که حضرت فرمود: «ما مِنْ شَيْعَةٍ إِلَّا صِدِّيقٌ شَهِيدٌ؛ همه شیعیان ما راستگو و شهیدند.» زید با تعجب پرسید: فدایت شوم، چگونه این ممکن است؟ بسیاری از شیعیان شما در بستر جان می دهند؟! امام حسین علیه السلام فرمود: آیا این آیه قرآن را تلاوت نکرده ای که خداوند می فرماید: «وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّدِيقُونَ وَالشُّهَدَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ» «کسانی که به خدا و رسولان آسمانی او ایمان آورده اند، آنان همگی راستگویان و شهیدانند.» زید بن ارقم می گوید: گویی من این آیه را از کتاب خدا هرگز نخوانده بودم. سپس امام حسین علیه السلام توضیح داد که: اگر مقام شهادت منحصر در کشته شدگان در عرصه نبرد باشد - همانطوری که تو فکر می کنی - آن وقت تعداد شهدا خیلی کم خواهد بود.

مبانی قرآنی نهضت عاشورا

بهره گیری از آیات قرآن، از شیوه های تبلیغی امام حسین علیه السلام در مناسبت‌های مختلف بود. آن حضرت با این شیوه علاوه بر اینکه مبانی اهداف مقدس خود را بیان می کرد، آیات وحیانی قرآن را نیز تفسیر و تحلیل نموده و شأن نزول و موارد استفاده و مصادیق آن را نیز یادآور می شد. آن حضرت وقتی که حرکت حماسی خود را در 28 رجب سال 60 هجری در نیمه های شب یکشنبه از مدینه آغاز نمود، آیه ای را از سوره قصص در مورد خروج حضرت موسی علیه السلام قرائت کرد و فرمود: «فَخَرَجَ مِنْهَا خَائِفًا يَتَرَقَّبُ قَالَ رَبِّ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ

الظالمين»؛ «موسی از شهر خارج شد در حالی که ترسان بود و هر لحظه انتظار حادثه ای را می کشید. عرضه داشت: پروردگارا! مرا از دست این گروه ستمگر رهائی بخش!» امام حسین علیه السلام با تلاوت این آیه خروج خود از مدینه و ترک شهر و دیار اجباری و ترس از دشمنان را اعلام کرد.

آن حضرت از جاده اصلی به مکه رفت و فرمود: من از راه راست منحرف نمی شوم تا خداوند چه خواهد. و هنگامی که در روز جمعه سوم شعبان به مکه وارد شد، این آیه را تلاوت نمود که: «وَلَمَّا تَوَجَّهَ تِلْقَاءَ مَدْيَنَ قَالَ عَسَى رَبِّي أَنْ يَهْدِيَنِي سَوَاءَ السَّبِيلِ»؛ و چون موسی علیه السلام به جانب مَدْيَن متوجه شد، گفت: امیدوارم پروردگارم مرا به راه راست هدایت کند.»

و به این وسیله هدف خود را حرک در صراط مستقیم و تداوم راه انبیاء برای هدایت مردم بیان کرد. امام علیه السلام وقتی در مکه مستقر شد، مردم مکه به خانه آن حضرت آمده و به دیدارش نائل می شدند. در منزل ثعلبیه عبدالله بن سلیمان و منذر بن مشمعل اسدی می خواستند خبری را که در مورد شهادت حضرت مسلم داشتند به امام علیه السلام برسانند. آنان پیش امام رفته و گفتند: یا ابا عبدالله! ما از کوفه خبری داریم، آیا خصوصی به اطلاع شما برسانیم یا آشکارا و در میان جمع؟!

امام علیه السلام فرمود: من با همراهانم راز پنهانی ندارم و اینان همگی محرم اسرار منند. به امام گفتیم: ما از فرد موثقى اطلاع یافتیم که مسلم و هانی در کوفه کشته شده اند! امام حسین علیه السلام چندین بار آیه استرجاع را قرائت فرمود، «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»؛ «ما از خدائیم و به سوی او باز می گردیم.» بعد فرمود: دیگر بعد از شهادت این عزیزان زندگی دنیا ارزشی ندارد. امام با تلاوت این آیه، آغاز و انجام حرکت خود را در مسیر حق و به سوی حق بیان نمود. وقتی که در ظهر عاشورا قیس بن اشعث تسلیم فرمان بنی امیه شد، آن حضرت فرمود: به خدا سوگند! من همانند افراد ضعیف النفس و زبون تسلیم نمی شوم و مانند بردگان فرمان نمی پذیرم و سپس آیات زیر را قرائت نمود که: «وَإِنِّي عُذْتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُمْ أَنْ تَرْجُمُونِ»؛ «اگر مرا سنگباران کنید، به پروردگار خود و شما پناهنده خواهم شد.» و «إِنِّي عُذْتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُمْ مِنْ كُلِّ مُتَكَبِّرٍ لَا يُؤْمِنُ بِيَوْمِ الْحِسَابِ»؛ «من از شر هر متکبری که به روز قیامت ایمان ندارد، به خدای خویش و آفریدگار شما پناه می برم.»

امام حسین علیه السلام هنگام رفتن علی اکبر علیه السلام به میدان، با صدای بلند این آیه را تلاوت فرمود: «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى آدَمَ وَ نُوحًا وَ آلَ إِبْرَاهِيمَ وَ آلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ ذُرِّيَّةً بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ»؛ «خداوند، آدم و نوح و آل ابراهیم و آل عمران را بر جهانیان برگزید. آنان فرزندانی هستند که بعضی از نسل بعض دیگرند و خداوند شنوا و آگاه است.»

در میان راه مکه و کوفه، عبدالله بن مطیع عدوی با امام حسین علیه السلام ملاقات کرد و متوجه شد که امام به سوی کوفه می رود. او که از اوضاع کوفه با خبر بود، امام را از رفتن به کوفه شدیداً منع کرد. امام حسین علیه السلام در پاسخ وی این آیه را خواند: «قُلْ لَنْ يُصِيبَنَا إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا هُوَ مَوْلَانَا وَ عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ»؛ «بگو: حادثه ای برای ما پیش نمی آید مگر آنچه را که خداوند برای ما مقرر داشته است. او مولا و سرپرست ماست و مؤمنان باید فقط به خدا توکل کنند.»

آن گرامی وقتی در منزل عذیب هجانات خبر شهادت قیس بن مسهر صیداوی را شنید، اشک از چشمانش سرازیر شد و این آیه را قرائت نمود: «فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَى نَحْبَهُ وَ مِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَ مَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا»؛ «برخی بر سر پیمان خود رفته و جان باختند و برخی دیگر منتظر [وفای به عهد] هستند و هرگز پیمان خود را تبدیل و دگرگون نکرده اند.»

همین آیه را در هنگام حضور بر بالین مسلم بن عوسجه که آخرین لحظات عمرش را سپری می کرد نیز قرائت نمود. علامه مجلسی می فرماید: آن بزرگوار این آیه شریفه را هنگام خداحافظی و وداع یاران وفادارش، در پاسخ تک تک آنان قرائت می کرد.

وقتی که آن حضرت از عبید الله بن حرّ جعفری در خواست یاری و کمک نمود، او از پیوستن به لشکر امام قرآن و اهل بیت علیهم السلام همانند دو بال پرنده ای هستند که اگر هر دو یا یکی از آنها نباشد پرواز به سوی سعادت و کمال امکان پذیر نخواهد بود

خودداری کرد و گفت: من اسبی خوب و تندرو دارم که می توانم آن را به شما تقدیم کنم. امام حسین علیه السلام ناراحت شد و این آیه را تلاوت فرمود: «وَمَا كُنْتُ مُتَّخِذَ الْمُضِلِّينَ عَصْدًا»؛ «من افراد گمراه را حامی و یاور خود قرار نمی دهم.»

تلاوت قرآن بالای نیزه از جمله معجزات امام حسین علیه السلام ، تلاوت قرآن آن حضرت بالای نیزه است که تمام دوستان و دشمنان را شگفت زده نمود. شیخ مفید در این زمینه می نویسد: بعد از شهادت امام حسین علیه السلام وقتی سر مقدس آن حضرت را به نیزه زده و داخل کوفه کردند، به دستور عبید الله بن زیاد آن را در کوچه های شهر گرداندند و حتی میان قبائل برده و به علامت پیروزی نشان دادند. زید بن ارقم که شاهد این صحنه های رقت انگیز بوده می گوید: من از منزل خودم نگاه می کردم که سر مقدس امام حسین علیه السلام را بالای نیزه مشاهده کردم، وقتی از مقابل منزل ما آن سر نورانی را عبور می دادند، با کمال حیرت شنیدم که امام حسین علیه السلام این آیه شریفه را قرائت می کرد: «أُمّ حَسِبْتَ أَنَّ أَصْحَابَ الْكَهْفِ وَالرَّقِيمِ كَانُوا مِنْ آيَاتِنَا عَجَبًا»؛ «آیا گمان کردی که اصحاب کهف و رقیم از آیات و نشانه های عجیب ما بودند؟!» به خدا سوگند! مو در بدنم راست شد و بر خود لرزیدم. در آن حال گفتم: ای فرزند رسول خدا! تلاوت قرآن تو در بالای نیزه از اصحاب کهف و رقیم خیلی شگفت انگیزتر و عجیب تر است.